

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

سپاوش آزاد – هوادار سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)

۲۶ اگست ۲۰۲۰

## ترویج فرهنگ استعماری از سوی تلویزیون طلوع

دردرازای تاریخ سرزمین ما، به دونه تجاوز و اشغالگری برمی خوریم:

۱- سلطه اشغالگرانه ای که با یورش نظامی تاراج، گرفتن غرامت، برکناری فرمان روا، انهدام آبادی ها و... صورت گرفته می گیرد.

۲- با ظهور سرمایه داری و خاصاً سیستم امپریالیزم، تسلطی که آنها بالای سرزمین های دیگر به وجود می آورند، ابعاد تازه ای کسب نموده است.

امپریالیزم با تسلط سیاسی و اقتصادی، تسلط فکری را نیز با خود همراه داشته است. ولی با اوج گرفتن احساس استقلال طلبی و مبارزات ضد استعماری، کشورهای اشغالگر بعد از قرن بیستم تسلط سیاسی را محدود نموده و اما تسلط اقتصادی در بیشتر کشورهای مستعمره باقی مانده است. چه بسا از کشورهایانی که در ظاهر امر آزاد گردیدند، اما منابع حیاتی آنها زیر سیطره استعمار وحشی باقی می ماند.

اما استعمار، برای این که مقاومت کشورهای استعمارزده را برای همیشه درهم شکند، می خواهد تسلط خویش را بالای سرزمین های محکوم، از لحاظ فرهنگی عملی نماید و از این راه بالای اندیشه و تفکر آنها مسلط گردد. در اولین اقدام می خواهند احساس حقارت را در مردم سرزمین های مستعمره ایجاد نمایند و در قدم بعدی، فرهنگ بومی و ارزش های انقلابی آنها را بزداوند.

از آنجائی که فرهنگ استعماری با سیاست استعماری و اقتصادی همراه می باشد، بدون ضربه زدن به پایه های مادی استعماری، رهائی از فرهنگ استعماری تا حدودی هم بعید به نظر جلوه می کند، اما هیچ گاهی نمی توان نقش ترویج و تبلیغ فرهنگ ضد استعماری را در میان توده های مردم و نقش راه گشایانه آن را به باد فراموشی گرفت.

استعمار، جهت حفظ و تداوم سیطره نکتبناخ خویش، به منظور پخش افکار استعماری خویش در کشورهای مستعمره، همیشه به یک قشر وابسته و نخبگان منافع خویش، ضرورت داشته و از این دسته های مزدور و زرخرد خود حراست می نمایند. از همین رو است که کشورهای اشغالگر در سرزمین به خون غنوده ما تعداد کثیری از این رسانه ها را هدایت و تمویل می نمایند.

وقتی که سازمان و نهاد سیاسی، اقتصادی، آموزشی در ارتباط با یک کشور بیگانه قرار داشته باشد، کوشش می نماید که افکار استعماری و سلوکیات کشور تمویل کننده خویش را پخش و نشر نماید. از همین جهت است که رسانه های که

در کشور اشغال شده ما فعالیت می نمایند به ترویج افکار استعماری، ابتذال، تجمل پرستی، اسراف، خشونت، برانگیختن حس شهوانی با پخش سریال های هندی، ترکی، غربی و عربی هویت زدائی نموده و ارزش های اخلاقی و انسانی کشور تحت سلطه را مسخ نموده و از آنها برده مطیع خویش بار آورد.

اگر خواسته باشیم در برنامه های تلویزیون طلوع یک نظر اندازی داشته باشیم، از پخش «کوتاه قلفی-قلفی» ویا هم سریال های «فرار از زندان»، «زمانی خوش هم عروس بود»، «قصه هر خانه»، «امتحان زندگی»، «فاطمه گل»، «خزان»، «عروس کوچک»، «وادی گرگ ها»، «گل سیاه»، «چقر»، «قلب های شکسته»، و «عثمان» همه این پروگرام ها فاقد محتوای آموزشی و اخلاقی بوده و به جز از ضیاع وقت وید آموزشی محتوای دیگری ندارد.

همین اکنون برنامه «رودرو» که هر شب از تلویزیون طلوع نشر می شود و سؤالاتی مطرح می دارند که نه معلومات تاریخی، نه اخلاقی و نه هم علمی را در خود دارد و گرداننده آن به جز از حرکات تهوع آور چیز دیگری را به نمایش نمی گذارد. روی هم رفته به این سؤالات نگاه کنید: حیوانی را نام بگیرید که عوعومی نماید ویا هم مکانی را نام بگیرید که خانم ها بیشتر از مردها در آن جا حضور دارند....

ویا هم باب نمونه سریال «عثمان» که چیزی نیست به جز از تبلیغ تفکر طالبانی و داعشی. تعداد کثیری از فامیل ها از این که مصروفیت دیگری به عنوان سرگرمی و تفریح ندارند، بینندگان این برنامه ها اند که بدبختانه تأثیرات بدی را نیز بالای پسران و دختران جوان گذاشته و باعث بعضی از اصطکاکات درون فامیل ها گردیده است. در حالی که بسیاری از برنامه ها و سریال های خیلی مفید اجتماعی، اخلاقی و علمی وجود دارد که در رشد معلومات و آموزش مردم ما می توانند خیلی مفید باشند.

اما رژیم مزدور و مراجع تمویل کننده این رسانه ها مردم را در راستای تفکر استعماری و برده ساز سوق و مصروف می دارند. تا این که تفکر و شعور مردم را در چنبر افکار استعماری خود قرار داده و از آن سود ببرند، تا مردم متوجه اهداف غارت گرانه آنها نگردند و فکر مردم را به موضوعات فرعی و استخوان شکنی مصروف سازند.

از آنجاکه نگرش طبقات اجتماعی را منافع مادی آنها تعیین می دارد از اینجاست که افکار و دیدگاه های طبقات اجتماعی رنگ گرفته و مطابق اهداف خویش در تعاملات اجتماعی قرار می گیرند. لهدا می توان گفت که فرهنگ ملی متشکل از نکات مثبت و منفی، اساسی و غیر اساسی و دارای قوت ها و ضعف ها بوده، عوامل میرنده و بالنده را با خود همراه دارد.

نیروهای مترقی جامعه باید قادر به این گردند تا جنبه های مثبت و منفی، مترقی و ارتجاعی فرهنگ را تمیز نمایند و در راستای فرهنگ مترقی و پیشتاز جامعه تلاش نمایند. ماشاید بتوانیم خرابی های حاصله از جنگ چندین ساله را ترمیم نمائیم، اما اگر فرهنگ و ارزش های انسانی و اخلاقی جامعه ما آسیب ببینند، مطمئنا سالیان دراز تری به مداوای آن نیاز خواهیم داشت.